

نیک‌پندار از روز گذشته آیین بدرقه پیکر رهبر شهیدمان و خانواده ایشان آغاز شد. این مراسم که یک هفته ادامه خواهد داشت با آیین وداع مردم و مقامات کشورهای مهممان از روز گذشته در مصالی تهران آغاز شد. رهبر شهید انقلاب اسلامی ایران در جریان حملات مشترک آمریکا و اسرائیل در فوریه ۲۰۲۶ آسمانی شدند. آیین بدرقه ایشان با تدفین نهایی در مشهد یعنی زادگاهشان به پایان خواهد رسید. این رویداد به یکی از بزرگ‌ترین تجمعات تاریخ ایران تبدیل شده و مقامات ایرانی، آن را نمادی از قدرت، وحدت ملی و مقاومت در برابر استکبار جهانی توصیف کرده‌اند. مقامات ایرانی اعلام کرده‌اند نمایندگان و هیئت‌هایی از حدود ۱۰۰ کشور شامل رؤسای دولت، رؤسای مجلس، وزرا و فرستادگان ویژه در این مراسم حضور یافته‌اند.
تمرکز اصلی بر کشورهای همسایه، اعضای محور مقاومت، روسیه، چین و کشورهای اسلامی و آسیایی بوده و حضور سران بلندیپایه غربی نزدیک به صفر گزارش شده است. بیش از ۳۰ تا ۴۰ هیئت رسمی و شخصیت‌های مذهبی از بیش از ۹۰ کشور در مراسم شرکت کرده‌اند.

■ مقاماتی که بیش از هر چیز، رهبر شهیدمان را یک مرد حماسه‌ساز می‌دانند

در میان شخصیت‌های برجسته، نخست‌وزیر پاکستان شهباز شریف به همراه هیئت بلند پایه شامل مقامات ارشد نظامی و سیاسی حضور یافت. از روسیه، دمیتری مدودف معاون رئیس شورای امنیت و رئیس‌جمهور سابق به عنوان فرستاده ویژه ولادیمیر پوتین شرکت کرد. چین نیز هه‌وی، معاون رئیس کمیته دائمی کنفره ملی خلق را اعزام کرد. رئیس‌جمهور گرجستان میخائیل کاواشلویلی، نخست‌وزیر ارمنستان نیکول پاشینیان، رئیس‌جمهور تاجیکستان امامعلی رحمان و رئیس‌جمهور ترکمنستان سردار پردی محمداف نیز از جمله سران حاضر بودند. از عراق رئیس‌جمهور و رئیس‌مجلس، از افغانستان (طالبان) معاون نخست‌وزیر و وزیر خارجه و از عربستان معاون وزیر خارجه حضور داشتند. هیئت‌هایی از ترکیه، هند (شامل معاون وزیر خارجه، فرماندار بیوهی و هیئت مذهبی) و بنگلادش، آذربایجان، بلاروس، مالزی، کوبا و نمایندگان جبهه مقاومت مانند حزب الله، حماس و انصار الله نیز شرکت کردند. همچنین علما و رهبران ادیان مختلف از کشورهای گوناگون از جمله روسیه، هند، چین، ترکیه، بوسنی، مجارستان، اندونزی، افغانستان و اسپانیا به پیکر رهبر شهید اداى احترام کردند.

گزارش

زارع ۱ چهارم جولای، دویست و پنجاهمین سالگرد صدور اعلامیه استقلال ایالات متحده آمریکا است. در این دو قرن و نهم، آمریکا از یک مستعمره کوچک به ابرقدرتی تبدیل شده که نیروهای نظامی اش در پهنه گیتی پراکنده‌اند. با این حال، این صعود باشکوه با سایه سنگین جنگ و خونریزی همراه بوده است. به‌گواهی پژوهشگران، از سال ۱۷۷۶ تا ۲۰۱۹، آمریکا دست‌کم ۳۹۲ بار در امور کشورهای دیگر مداخله نظامی کرده و ۲۵۰ سال استقلال، حدود ۲۱۵ سال را در وضعیت جنگ به سر برده‌است. در مجموع در نتیجه جنگ‌هایی که آمریکا به‌راه‌انداخته یا در آن‌ها مداخله کرده حدود ۴ میلیون نفر کشته شده‌اند و از این تعداد دست‌کم یک‌میلیون نفر سربازان آمریکایی بوده‌اند.

■ جنگ‌های تهاجمی و توسعه‌طلبانه

جنگ استقلال (۱۷۸۳–۱۷۷۵) نخستین درگیری نظامی گسترده آمریکا بود که با شلیک گلوله‌های لکسنینگتون در آوریل ۱۷۷۵ علیه نیروهای بریتانیایی آغاز شد. اختلافات عمیق اقتصادی و سیاسی میان مستعمرات و لندن، ازجمله وضع مالیات‌های سنگین بدون‌نماینده در پارلمان، مهم‌ترین عامل این جنگ بود. هدف اصلی استعمارگران، دستیابی به استقلال سیاسی و کنترل کامل بر منابع و تجارت خود بود. این جنگ که با اعلامیه استقلال در ۱۷۷۶ به‌اوج خود رسید، سرانجام با پیروزی آمریکایی‌ها و امضای پیمان پارسی در ۱۷۸۳ به پایان رسید.

جنگ ۱۸۱۲ (۱۸۱۵–۱۸۱۲) دومین رویارویی آمریکا با بریتانیا بود. آمریکا با بهانه‌هایی چون مصادره کشتی‌های تجاری و اجبار ملوانان آمریکایی به خدمت در نیروی دریایی بریتانیا، به دنبال الحاق کانادا و راهی‌ای سلطه اقتصادی لندن بود. نیروهای آمریکایی به کانادا حمله کردند اما با مقاومت شدید روبرو شدند و حتی کاخ سفید در واشنگتن به آتش کشیده شد. این جنگ با پیمان گنت به وضعیت پیش از جنگ بازگشت و هیچ‌یک از اهداف توسعه‌طلبانه آمریکا محقق نشد.

جنگ آمریکا و مکزیک (۱۸۴۸–۱۸۴۶) نمونه‌ای آشکار از توسعه‌طلبی خاک‌خواهانه بود. آمریکا با بهره‌گیری از اختلافات مرزی پس از الحاق تگزاس، به بهانه دفاع از مرزهایش به مکزیک حمله کرد، در حالی که هدف واقعی تصرف کالیفرنیا و دیگر سرزمین‌های شمالی مکزیک بود. ژنرال‌های آمریکایی با پیشرویی تامکزیکوسیتی، مکزیک را وادار به امضای معاهده گوادالوپه-هیدالگو کردند که به موجب آن نزدیک به نیمی از خاک مکزیک شامل کالیفرنیا، نوادا، یوتا و بخش‌هایی از چندین ایالت دیگر، به آمریکا واگذار شد. این یک جنگ تمام‌عیار تجاؤزکارانه بود که مورخان، آن را از ناعادلانه‌ترین جنگ‌های آمریکا می‌دانند.

جنگ داخلی آمریکا (۱۸۶۵–۱۸۶۱) گرچه در ظاهر یک منازعه داخلی بود، اما از نظر نظامی یکی از خونین‌ترین جنگ‌های تاریخ این کشور به شمار می‌ود. ریشه این جنگ در اختلافات عمیق میان ایالت‌های شمالی

حضور گسترده مقامات کشورهای جهان و جبهه مقاومت در آیین بدرقه پیکر رهبر شهید انقلاب

پیام قدرتمند ایران به جهان پساجنگ



بسیاری از این شخصیت‌ها و هیئت‌ها ضمن حضور و اداى احترام، مواضعی از همبستگی و ستایش از نقش رهبر شهید در مقاومت، وحدت امت اسلامی و دفاع از مستضعفان ابراز کردند. شهباز شریف در پیام تسلیت اولیه تأکید کرد دولت مردم پاکستان در این غم با ایران همدرد هستند و این اقدام را نقض هنجارهای بین‌المللی دانست. ولادیمیر پوتین نیز از آیت‌الله العظمی خامنه‌ای به عنوان مرد دولتی برجسته‌ای که روابط دو جانبه را تقویت کردند ستایش کرد. هیئت‌های مذهبی و مقاومت نیز بر رهبری جهادی و ایستادگی در برابر استکبار تأکید کردند. این حضورها در رسانه‌های ایرانی به عنوان نشانه حمایت جهانی از انقلاب اسلامی و انزوای غرب برجسته‌شد.

غربی‌ها غایب اصلی این مراسم هستند. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه اعلام کرد: از کشورهای غربی، به‌ویژه

اروپایی‌هایی که موضع ناشایست و حمایت‌کننده از حملات آمریکا و اسرائیل به ایران داشتند، برای مراسم وداع و تشییع پیکر رهبر شهید دعوت رسمی به عمل نیامده است. او تأکید کرد: سران و مقامات این کشورها «افتخار» حضور در مراسم را نخواهند داشت، زیرا در «طرف درست تاریخ» قرار نگرفته‌اند. با این حال، از برخی کشورهای اروپای شرقی هیئت‌های رسمی و گروه‌های مردمی دعوت شده و حضور داشتند.

این مراسم با پوشش گسترده رسانه‌ای شامل هزاران خبرنگار داخلی و خارجی همراه بود و به عنوان بزرگ‌ترین تجمع تاریخ تهران و پیامی قدرتمند به جهان پس از جنگ توصیف شد. شبکه‌هایی مانند سی‌ان‌ان، نیویورک تایمز و وال استریت ژورنال این رویداد را تجمع عظیم برای نمایش اتحاد و چالش در برابر غرب خوانده و تأکید کرده‌اند حضور هیئت‌هایی از

نگاهی به ۲/۵ قرن تاریخ استعماری آمریکا در سالروز استقلالش

۲۵۰ سال استقلال، ۲۱۵ سال جنگ



صنعتی و ایالت‌های جنوبی کشاورز و برده‌دار بر سر تعیین سرنوشت برده‌داری در سرزمین‌های جدید بود. با انتخاب آبراهام لینکلن به ریاست‌جمهوری، ایالت‌های جنوبی از اتحادیه خارج شدند و با حمله به فورت سامتر در آوریل ۱۸۶۱، جنگ آغاز شد. در نهایت، این جنگ با پیروزی شمال و الغای برده‌داری پایان یافت، اما بهای آن بیش از ۶۹۰هزار کشته و ویرانی گسترده در جنوب بود. جنگ آمریکا و اسپانیا (۱۸۹۸) نقطه عطفی در سیاست خارجی آمریکا بود. آمریکا با انفجار تانومین در بندر هاوانا دستاویزی برای اعلام جنگ به اسپانیا یافت، اما هدف اصلی، تصرف مستعمرات باقیمانده اسپانیا شامل کوبا، پورتوریکو، گوام و فیلیپین بود. این جنگ که کمتر از چهار ماه به طول انجامید، با پیروزی قاطع آمریکا همراه بود و فیلیپین و پورتوریکو به تصرف آمریکا درآمدند. پیروزی در این جنگ، آمریکا را به عنوان یک قدرت استعماری نوظهور به جهان معرفی کرد.

جنگ جهانی اول (۱۹۱۸–۱۹۱۷) و جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵–۱۹۴۱) دو جنگی هستند که آمریکا با رأی کنگره به آن‌ها وارد شد. در جنگ اول، آمریکا با بهانه غرق شدن کشتی‌های تجاری توسط زیردریایی‌های آلمانی و همچنین در یافت تلگراف زیرمرن که نشان می‌داد آلمان به دنبال اتحاد با مکزیک برای حمله به آمریکا است، وارد میدان شد. در جنگ دوم، پس از حمله غافلگیرانه ژاپن به پرل هاربر در دسامبر ۱۹۴۱، آمریکا با متحدان خود علیه محور برلین-رم-توکیو به جنگ پرداخت. گرچه آمریکا در این دو جنگ در ظاهر در کنار نیروهای دموکراتیک جنگید، اما هدف راهبردی آن، جلوگیری از سلطه یک قدرت واحد بر اروپا و تضمین نظم جهانی مطابق با منافع آمریکا بود.

جنگ کره (۱۹۵۳–۱۹۵۰) نخستین درگیری بزرگ آمریکا در عصر جنگ سرد بود. آمریکا با شعار کمونیسم و با استفاده از شورای امنیت سازمان ملل (در غیاب اتحاد جماهیر شوروی)، نیروهای خود را برای حمایت از کره جنوبی وارد جنگ کرد. اما این مداخله با ورود چین به جنگ، به یک درگیری فرسایشی تبدیل شد که بیش از سه سال طول کشید و در نهایت به تقسیم شبه‌جزیره کره به دو کشور مجزا انجامید. این جنگ بیش از ۲٫۵ میلیون کشته بر جای گذاشت که بیشتر آن‌ها غیرنظامیان کراهی بودند.

■ مداخلات نظامی و عملیات‌های پنهان و آشکار

علاوه بر جنگ‌های بزرگ، آمریکا صدها بار با عملیات‌های محدودتر، کودتا، حمایت از شورشیان و بمباران‌های هوایی در کشورهای دیگر مداخله کرده‌است. آمریکا در آمریکای لاتین بارها با حمایت از کودتا یا اعزام نیرو، دولت‌های مخالف خود را سرنگون کرده‌است. کودتای ۱۹۵۳ در ایران که با حمایت سیا انجام شد، دولت مصدق را برکنار کرد تا کنترل صنعت نفت ایران دوباره به دست شرکت‌های غربی بیفتد. در سال ۱۹۵۴، سیا در گواتمالا کودتا کرد تا دولت آربنز که اصلاحات ارضی انجام داده بود را سرنگون کند. در سال ۱۹۷۳، آمریکا با حمایت از کودتای پینوشه در شیلی، دولت سوسیالیستی سالوادور آلنده را برانداخت. در منطقه کارائیب، آمریکا در سال ۱۹۶۱ با حمله به خلیج خوک‌ها در کوبا تلاش کرد دولت فیدل کاسترو را ساقط کند، اما این عملیات با شکست کامل مواجه شد. در سال ۱۹۸۳، آمریکا بر بهانه حفاظت از دانشجویان آمریکایی، با حمله به جزیره گرانادا دولت انقلابی آن را سرنگون کرد. در سال ۱۹۸۹ نیز با حمله به پاناما، مانوئل نوریگا را دستگیر و به آمریکا منتقل کرد تا در دادگاه محاکمه شود.

پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، دامنه مداخلات آمریکا گسترش یافت و این کشور در کشورهای چون یمن، سومالی، پاکستان، سوریه و لیبی نیز دست به حملات هوایی و عملیات نیروهای ویژه زد. در لیبی در سال ۲۰۱۱، آمریکا با رهبری ناتو و به بهانه حفاظت از غیرنظامیان، رژیم معمر قذافی را سرنگون کرد که نتیجه آن فروپاشی امنیت و تبدیل لیبی به میدان جنگ داخلی بود. در سوریه، آمریکا از مخالفان مسلح بشار اسد حمایت کرده و بارها با پایگاه‌های نظامی این کشور را بمباران کرد، همچنین در مناطق کردنشین حضور نظامی دارد.

بر اساس گزارش پروژه هزینه‌های جنگ در دانشگاه براون، از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۶، جنگ‌های مستقیم و غیرمستقیم آمریکا در افغانستان، عراق، سوریه، یمن، سومالی و پاکستان موجب مرگ حدود ۹۳۰ هزار نفر به‌صورت مستقیم شده‌است. همچنین تخمین زده‌می‌شود ۳٫۶ تا ۳٫۸ میلیون نفر بر اثر عوامل غیرمستقیم مانند گرسنگی، بیماری و فروپاشی سیستم‌های درمانی جان خود را از دست داده‌اند. در مجموع حدود ۳۸ میلیون نفر در این جنگ‌ها آواره شده‌اند. هزینه مالی این جنگ‌ها نیز بیش از ۵٫۸ تریلیون دلار برآورد شده که معادل بودجه سالانه چندین کشور بزرگ جهان است.

بررسی تاریخی نشان می‌دهد ایالات متحده در ۲۵۰ سال گذشته‌ته‌به‌عنوان یک‌قدرت دفاعی، بلکه به‌عنوان یک کشور توسعه‌طلب و مداخله‌گر عمل کرده‌است. جنگ‌هایی که این کشور آغاز کرده یا در آن‌ها مداخله داشته، اغلب با اهداف راهبردی چون تصرف سرزمین، کنترل منابع، تثبیت هژمونی و مقابله با ایندئولوژی‌های مخالف همراه بوده. حال آن‌که حاصل این سیاست، نه صلح و ثبات، بلکه ویرانی، مرگ، آوارگی و بحران‌های انسانی بی‌پایان بوده است.

خبر

روز گذشته محاصره هوایی یمن شکست

فرود یک هواپیمای ایرانی در صنعا پس از ۱۱ سال

روز گذشته یک هواپیمای ایرانی برای نخستین بار پس از ۱۱ سال در فرودگاه صنعا به زمین نشست. سخنگوی نیروهای مسلح یمن هم‌زمان از تلاش جنگنده‌های سعودی برای جلوگیری از فرود هواپیمای غیرنظامی ایرانی حامل بیش از ۲۰۰ شهروند یمنی مجروح، بیمار و گرفتار در فرودگاه صنعا خبر داد.

طبق بیانیه نیروهای مسلح یمن، جنگنده‌های سعودی حریم هوایی این کشور را نقض کردند اما با شلیک موشک‌های پدافند هوایی یمن مجبور به عقب‌نشینی شدند.

در این بیانیه تأکید شده هرگونه تکرار تجاوز به حریم هوایی یمن با پاسخ گسترده و هدف قرار دادن فرودگاه‌ها و منافع حیاتی عربستان مواجه خواهد شد. نیروهای مسلح یمن همچنین بر آمادگی کامل برای شکستن محاصره سعودی-آمریکایی بر فرودگاه صنعا و ادامه پروازها میان صنعا و تهران برای انتقال مجروحان و مسافران تأکید و از موضع جمهوری اسلامی ایران در شکستن این محاصره قہ‌ردانی کردند.

این رویداد در حالی رخ داد که فرودگاه صنعا برای نزدیک به ۱۱ سال تحت محاصره قرار دارد.

فاکس نیوز در خبری درباره نتایج جنگ تحمیلی سوم علیه کشورمان فاش کرد

شاید آمریکا پایگاه‌هایش را برید

حملات موشکی و پهپادی اخیر ایران به پایگاه‌های نظامی آمریکا در خلیج فارس، پنتاگون را وادار به بازنگری اساسی در راهبرد چند دهه‌ای استقرار نیروهای خود در خاورمیانه کرده است. برپایه گزارش‌هایی از فاکس نیوز و وال استریت ژورنال، مقام‌های آمریکایی در حال بررسی انتقال بخشی از توان رزمی و فرماندهی از پایگاه‌های بزرگ و ثابت به مراکز پرانکندتر و انعطاف‌پذیرتر هستند تا احتمال آسیب در حملات گسترده کاهش یابد.

شبکه پایگاه‌های آمریکا در منطقه (مانند العدید در قطر، ناوگان پنجم در بحرین، الظفره در امارات و علی‌السلام در کویت) سال‌ها ستون اصلی حضور واشنگتن بوده و امکان سریع، حفاظت از خطوط کشتیرانی، حمایت از متحدان عرب و عملیات علیه گروه‌های تروریستی را فراهم می‌کردند. اما افزایش توان موشکی و پهپادی ایران این پایگاه‌ها را به نقاط ضعف تبدیل کرده است.

در جریان عملیات «خشم حماسی»، ایران چندین پایگاه کلیدی را مستقیماً هدف قرار داد. هرچند بیشتر پرتابه‌ها رهگیری شدند، اما این حملات نشان داد تقریباً همه مراکز عملیاتی آمریکا در برد تسلیحات ایران قرار دارند. فاصله کم برخی پایگاه‌ها (حدود ۱۴۵ کیلومتر) با نقاط پرتاب ایرانی، زمان واکنش را به‌شدت محدود کرده است. گزینه‌های مورد بررسی شامل پراکنده‌سازی نیروها، استقرار چرخشی، انتقال مأموریت‌ها به مناطق غربی‌تر یا اسرائیل، کاهش حضور در کویت و عربستان، ساخت مراکز فرماندهی زیرزمینی و عدم بازسازی برخی تأسیسات آسیب‌دیده است. فرماندهان بازنشسته مانند مارک مونته‌گومری تأکید کرده‌اند دوران اتکا به چند پایگاه بزرگ به پایان رسیده است.

با این حال، مقام‌های پنتاگون هنوز تصمیم رسمی نگرفته‌اند و می‌گویند ارزیابی امنیتی بخشی از برنامه‌ریزی دائمی است. کارشناسان معتقدند آمریکا همچنان برای حفظ منافع انرژی، مقابله با افراط‌گرایی و حمایت از متحدان به حضور در منطقه نیاز دارد، اما الگوی سنتی پایگاه‌های ثابت دیگر امنیت کافی فراهم نمی‌کند و احتمال حرکت به سمت استراتژی پراکنده و متحرک بیشتر شده است.

فاکس نیوز در پایان این گزارش نتیجه می‌گیرد این تحول می‌تواند نشان‌دهنده پایان عصر پایگاه‌های دائمی بزرگ آمریکا در خلیج فارس باشد.

ناتو به بهانه درخواست کمک کی‌یف دامنه جنگ علیه روسیه را افزایش می‌دهد

دفاع هوایی ناتو در راه اوکراین

اوکراین پس از یکی از حملات هوایی روسیه در ماه‌های اخیر، از ناتو خواسته سیستم‌های پدافند هوایی را فوری تحویل دهند. این درخواست در آستانه نشست ناتو در آنکارا مطرح شده و کی‌یف هشدار داده تأخیر در تأمین موشک‌های پاتریوت، جان انسان‌ها را هزینه‌می‌کند.

در حمله شبانه دوم جولای به کی‌یف، دست‌کم ۳۰ نفر کشته شدند. ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین در محل یک ساختمان مسکونی آسیب‌دیده گفت: «اگر شرکای ما به‌موقع آنچه وعده داده بودند را تحویل می‌دادند، خانه‌ها و جان‌های بیشتری نجات پیدا می‌کرد.»

اوکراین از حدود ۴۰ کشور شریک خواسته موشک‌های پاتریوت را از ذخایر موجود در ماه جولای منتقل کنند و متعهد شده بعداً با تحویل‌های قراردادی آن‌ها را جبران کند. سیستم آمریکایی پاتریوت تنها دفاع مؤثر در برابر موشک‌های بالستیک روسیه است، اما ذخایر رهگیرها به سطح بحرانی رسیده است. قراردادهایی برای صدها موشک با حمایت آلمان امضا شده، ولی تحویل آن‌ها چند سال طول می‌کشد.

در حملات اخیر، اوکراین گاهی فقط تعداد کمی رهگیر در برابر ده‌ها موشک داشته، در حالی که با ذخایر کافی می‌توانست کل موج‌ها را ناپود کند. روسیه ماهانه حدود ۱۲۰ موشک بالستیک تولید می‌کند و حملات خود را برای بهره‌برداری از خلاهای پدافندی تنظیم کرده است.

کی‌یف در نشست آنکارا به دنبال تعهد مالی روشن برای حمایت نظامی حداقل دو ساله و گام‌های مشخص برای تقویت پدافند هوایی است. این شامل اهدای فوری از ذخایر، خرید جدید و صدور مجوز تولید مشترک می‌شود. اوکراین امیدوار است از دریافت‌کننده کمک به «راه‌دهنده امنیت» تبدیل شود و نقش دائمی‌تری در ساختار دفاعی اروپا پیدا کند.

زلنسکی و مقامات اوکراینی تأکید دارند تأخیرها مستقیماً به افزایش تلفات غیرنظامی منجر شده و روسیه به این ضعف بهره‌برداری می‌کند. این درخواست در حالی مطرح می‌شود که ذخایر جهانی پاتریوت به دلیل درگیری‌های دیگر (مانند جنگ با ایران) کاهش یافته است.